

بررسی اثر مستقیم و غیرمستقیم تبعیض جنسیتی بر رضایت زناشویی
با میانجی‌گری ادراک انصاف

The Study of the Direct and Indirect Effect of Sexism
on Marital Satisfaction with Mediating Role of Perceived Equity

Zabihollah Abbaspour

Zahra Ghanbari

ذبیح اله عباس پور*

زهره قنبری**

چکیده

Abstract

The purpose of this study was to investigate the direct and indirect effect of sexism on marital satisfaction with mediating role of perceived equity in married women employed in government offices in Ahvaz. The participants of the study were 200 married female teachers selected by multi-stage sampling method. The instruments used in this study consisted of Sexism Inventory (ASI), Measure Perceived Equity (MPE) and Enrich Marital Satisfaction Inventory (ENRICH). Data were analyzed using structural equation analysis. Results showed that proposed model had a good fitness. Regarding the path coefficients, direct and indirect routes of research were significant. The results obtained and the models presented in this study are discussed in terms of their therapeutic and educational implications.

Keywords: Sexism, Perceived Equity, Marital Satisfaction

هدف پژوهش حاضر بررسی اثر مستقیم و غیرمستقیم تبعیض جنسیتی بر رضایت زناشویی با میانجی‌گری ادراک انصاف بود. جامعه آماری پژوهش حاضر معلمان زن آموزش و پرورش شهرستان اهواز در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای ۲۰۰ نفر از معلمان زن متأهل به‌عنوان نمونه‌ی پژوهش انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه تبعیض جنسی دوسوگرا (۱۹۹۶)، خرده‌مقیاس رضایت زناشویی از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (۱۹۹۳) و پرسشنامه ادراک انصاف پری (۲۰۰۴) است. داده‌ها به روش تحلیل معادلات ساختاری تحلیل شدند. مدل‌های ارزیابی شده در نمونه پژوهش از شاخص‌های برازندگی قابل قبولی برخوردار بود. با توجه به ضرایب مسیر به‌دست آمده مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم پژوهش معنادار شدند. نتایج به‌دست آمده مدل ارائه شده و مضامین آموزشی و درمانی حاصل از این پژوهش مورد بحث قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: تبعیض جنسیتی، ادراک انصاف، رضایت زناشویی

z.abbaspour@scu.ac.ir

* نویسنده مسئول: استادیار گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
** کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

Received: 18 Oct 2018

Accepted: 10 Mar 2019

پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۹

دریافت: ۹۷/۷/۲۶

مقدمه

اگر چه وضعیت زنان به‌طور چشمگیری در برخی از کشورها بهبود یافته است، شواهدی قوی وجود دارد که در سراسر جهان توزیع نابرابر منابع قدرت در بین زنان و مردان در جامعه هنوز باقی مانده است (اتحادیه‌های بین‌المللی کنفدراسیون^۱؛ ۲۰۰۸؛ به نقل از بیکر و رایت، ۲۰۱۱). ازدواج یکی از نهادهای اجتماعی پایدار و با ثباتی است که در همه فرهنگ‌ها و جوامع رشد یافته و موفقیت آن یک هدف با ارزش برای همه انسان‌ها می‌باشد (رجبی، ۲۰۱۸). تحقیقات نشان می‌دهد که سطح مشارکت شوهران در کارهای خانه افزایش یافته است (سایر، ۲۰۰۵؛ به نقل از خجسته مهر و همکاران، ۲۰۱۵). به‌همین ترتیب، تغییر در باورها و عقاید در مورد رفتارهای مناسب برای زنان و مردان برای کار در خانه بر پویایی رابطه بین زوجین و خانواده تأثیر گذاشته است. این نگرش مهم است، زیرا بر هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی تأثیر می‌گذارد (پری- جنکیز و کروتز، ۱۹۹۰؛ به نقل از انگلس، ۲۰۱۹). با شروع قرن بیستم، جهان شاهد تغییرات گسترده‌ای در ایده‌ها و روابط بین انسان‌ها شد. همزمان با اوج‌گیری موج دوم و سوم فمینیسم^۲ و چالش‌های محققان طرفدار حقوق زنان، نسبت به قراردادن نقش‌های طبقه‌بندی شده جنسیتی به‌عنوان نقش‌های کاری زنان و مردان و افزایش ورود زنان به بازار کار، تمام جنبه‌های زندگی مدرن تحت تأثیر قرار گرفت. این سرعت تغییر در جوامع ما را شاهد تغییر در نقش‌های جنسیتی کرده است (نوراندر و ویلککس، ۲۰۰۸). تبعیض جنسیتی به معنی باور و نگرشی است که یک جنسیت یا جنس را پست‌تر از دیگری و در درجه دوم می‌داند و این امر موجب تبعیض منفی نسبت به انسان‌ها بر اساس هویت واقعی یا فرضی جنسیتی ایشان است. این مفهوم همچنین می‌تواند در اشاره به نفرت یا بدگمانی نسبت به یک جنس (زن ستیزی یا مرد ستیزی) و یا کلیشه‌ای کردن مردانگی در رابطه با مردان و زنانگی در رابطه با زنان باشد. تبعیض جنسیتی به‌طور تاریخی و فرهنگی بیشتر در جهت فرودست کردن زنان به‌کار رفته است و زنان و مردان بسیاری برای رسیدن به برابری جنسیتی بیشتر از فمینیسم بهره برده‌اند (گلیک و فیسک، ۲۰۰۱؛ به نقل از آستین، ۲۰۱۹). نظریه تبعیض جنسیتی یک ساختار چندبعدی است و در مجموع دو نگرش جنسیتی را شامل می‌شود که شامل تبعیض جنسیتی خصمانه^۳ و خیرخواهانه^۴ است؛ تبعیض جنسیتی خصمانه دشمنی آشکار مردان علیه زنان را مشخص می‌کند. جنبش تبعیض جنسیتی خیرخواه به ظاهر مثبت است، اما در واقع حامی اعتقادات سنتی در مورد زنان است (آلتنبورگر و همکاران، ۲۰۱۷). بر اساس تعریف تبعیض جنسیتی خصمانه به صورت سلطه‌جویی مردسالارانه و باورهای تحقیرآمیز خود را نشان می‌دهد و موضوع مرکزی آن صراحتاً این است که مرد جنس برتر است و باید قدرت را در اختیار داشته باشد (گلیک و فیسک، ۲۰۰۱؛ به نقل از آستین، ۲۰۱۹). تبعیض جنسیتی خیرخواهانه نگاهی ملایم‌تر نسبت به زن دارد، زن را موجودی زیبا و شکننده می‌بیند که باید از او حمایت کرد؛ با این حال زنان باید همان نقش‌های محدود و کلیشه‌ای را بپذیرند و دنباله‌رو باشند. به عبارت دیگر، همان نگاهی

^۱ International Trade Union Confederation

^۲ Feminism

^۳ Hostile sexism

^۴ Benevolent sexism

بررسی اثر مستقیم و غیرمستقیم تبعیض جنسیتی بر رضایت زناشویی با ...

که زن را "جنس لطیف" می‌بیند (گلیک و فیسک، ۲۰۰۱؛ به نقل از آستین، ۲۰۱۹). تبعیض جنسیتی خیرخواهانه هزینه‌های ارتباطی را حفظ می‌کند، در حالی که زنان را با ویژگی‌هایی مانند لطیف، ظریف و نیازمند به حمایت و مراقبت از سوی مردان توصیف می‌کند، در عین حال قدرت مردان را نیز حفظ می‌کند (هاموند و همکاران، ۲۰۱۷). تبعیض جنسیتی خیرخواه شکل ظریف‌تر تبعیض جنسیتی است که در آن زنان توسط مردان محافظت می‌شوند و مورد احترام قرار می‌گیرند. بهترین مثال برای تبعیض جنسیتی خیرخواهانه تصور کردن زن ایده‌آل به‌عنوان همسر و مادر و سوژه‌ی عشق رمانتیک است. افرادی که چنین نگاهی دارند به زنان زیاد کمک می‌کنند و با آن‌ها روابط صمیمانه و دوستانه دارند. تبعیض جنسیتی خیرخواهانه نگاهی مثبت‌تر از تبعیض جنسیتی خصمانه به زنان دارد، اما در یک نکته با آن مشترک است: اینکه زن موجودی ضعیف‌تر است و برای حفظ ساختار قدرت مردانه این نگاه را توجیهی مناسب می‌بیند، برای اینکه زنان فکر می‌کنند بهتر است به وظایف خانگی رسیدگی کند (گلیک و فیسک، لی و همکاران، ۲۰۱۰؛ به نقل از کمپبل، ۲۰۱۷).

پروفسور پیتز گلیک و پروفسور سوزان فیسک با پرسشنامه‌ای تبعیض جنسیتی را در ۱۹ کشور بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که در تمام آن‌ها تبعیض جنسیتی خصمانه در مردان بیشتر از زنان است، اما در تبعیض جنسیتی خیرخواهانه این طور نیست (گلیک و فیسک، ۲۰۰۱؛ به نقل از آستین، ۲۰۱۹). روان‌شناسان فمینیست نگاهی بسیار منفی به تبعیض جنسیتی خیرخواهانه دارند. مثلاً وقتی مردی زنی را غرق در عواطف می‌کند یا به او می‌گوید که نمی‌تواند بدون او زندگی کند، این رفتار را جنسیت زده می‌دانند. آن‌ها معتقدند که این اعمال برای حفظ و دوام اجتماعی است که زنان در آن جنس آسیب‌پذیر باشند و در آن بی‌عدالتی و نابرابری برقرار باشد (گلیک و فیسک، ۲۰۰۱؛ به نقل از آستین، ۲۰۱۹). ایدئولوژی‌های جنسیتی برای حفظ نابرابری جنسیتی در جوامع عمل می‌کند (برانت، ۲۰۱۱؛ به نقل از هیل، ۲۰۱۸، گلیک و همکاران، ۲۰۰۰؛ به نقل از کونور و همکاران، ۲۰۱۶)، مانند تبعیض علیه زنان در حوزه‌های حرفه‌ای و سیاسی (کونور و همکاران، ۲۰۱۶) و قدردانی از زنانی که نقش‌های جنسیتی سنتی را حفظ می‌کنند (هاموند و اورال، ۲۰۱۶). تبعیض جنسیتی دوسوگرا رابطه را تعدیل می‌کند. تبعیض جنسیتی خیرخواه مزایایی برای رابطه دارد، اما تبعیض جنسیتی خصمانه رضایت از رابطه را کاهش می‌دهد (وادل، ۲۰۱۸). بسیاری از تحقیقات انجام شده در زمینه تبعیض جنسیتی بر رضایت زناشویی در روابط برابر بین زنان و مردان نشان می‌دهد که زنان نسبت به مردان رضایت کمتری دارند (هنری و همکاران، ۲۰۰۷). تبعیض جنسیتی خیرخواهانه ممکن است بر رضایت از رابطه زنان تأثیر بگذارد (کمپبل، ۲۰۱۷). نظریه تبعیض جنسیتی دوسوگرا فرض تبعیض جنسیتی خصمانه و خیرخواه را به‌عنوان نظام‌های باور مکمل در مورد زنان و مردان مورد بررسی قرار داده است (گلیک و فیسک، ۱۹۹۶، ۲۰۰۱؛ به نقل از سالومن، ۲۰۱۵). تحقیقات پیشین نشان می‌دهد زنان و مردانی که عوامل تبعیض جنسیتی خیرخواهانه و خصمانه در روابط آن‌ها مشاهده می‌شود رضایت کمتری از روابط خود دارند (سبیلی و بیکر، ۲۰۱۲؛ به نقل از کمپبل و همکاران، ۲۰۱۷).

کاساد و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود نشان داد که رضایتمندی روابط عاشقانه ممکن است تحت تأثیر تبعیض جنسیتی خیرخواه قرار بگیرد. رابطه بین تبعیض جنسیتی و رضایت زناشویی ممکن است برای زنان و مردان متفاوت باشد.

در پژوهش برون (۲۰۱۳) اثر متقابل بالایی در رابطه با ادراک انصاف و تبعیض جنسی خیرخواه از طریق تحلیل اکتشافی مشخص شد. هر چند تعداد ازدواج دو نان‌آور در حال افزایش است، زنان نسبت به مردان بار بزرگ‌تری از مسئولیت زندگی و خانواده و حضانت فرزند را به دوش می‌کشند، حتی اگر زمان برابری در حرفه خود در زندگی مشترک مشغول به کار باشند (رایبسون و هانر، ۲۰۰۸). پژوهش‌ها در زمینه اثرات تقسیم نابرابر کار بر رضایت زناشویی در رابطه، نتایج متناقضی را نشان می‌دهند (هلمز و همکاران، ۲۰۰۶؛ تیچنور، ۲۰۰۵). به نظر می‌رسد که ادراک انصاف و عدالت تقسیم کار خانگی در رابطه زناشویی به جای میادله‌ی برابر کار، تأثیر مثبت بر رضایت زناشویی دارد (لاوی، کتز، ۲۰۰۲؛ به نقل از برون، ۲۰۱۳). در پژوهشی به‌منظور بررسی تأثیر تقسیم کارهای خانه بر رضایت زناشویی در زوجین دو درآمدی، دریافتند که ادراک انصاف در تقسیم کارهای خانه ارتباط تنگاتنگی با رضایت زناشویی دارد (ویکی، فری و را، ۱۹۹۸؛ به نقل از کرامر، ۲۰۱۸).

با توجه به پیشرفت روزافزون صنعت و ورود زنان به بازار کار و افزایش نارضایتی زوج‌ها از بی‌عدالتی و نبود انصاف در تقسیم وظایف و کاهش رضایت از زندگی زناشویی و کم‌رنگ بودن نقش و اهمیت مؤلفه تبعیض جنسیتی در پژوهش‌های داخل کشور، پژوهش حاضر سعی دارد رابطه بین تبعیض جنسیتی و رضایت زناشویی با میانجی‌گری ادراک انصاف را مورد بررسی قرار دهد. با توجه به موثر بودن تبعیض جنسیتی خیرخواه و خصمانه بر رضایت زناشویی پژوهش حاضر سعی دارد اثر مستقیم و غیرمستقیم تبعیض جنسیتی خیرخواه بر رضایت زناشویی با میانجی‌گری ادراک انصاف را مورد بررسی قرار دهد؛ بنابراین مسئله‌ی اصلی در پژوهش حاضر بررسی اثر مستقیم و غیرمستقیم تبعیض جنسیتی خیرخواه بر رضایت زناشویی با میانجی‌گری ادراک انصاف است و اینکه آیا مدل پیشنهادی برانده‌ی داده‌ها است یا خیر؟

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

با توجه به اینکه جامعه هدف متغیر تبعیض جنسیتی، زنان هستند و با توجه به پیچیده‌تر شدن نقش زنان شاغل، کلیه معلمان زن متأهل مدارس دولتی آموزش و پرورش شهر اهواز در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ به‌عنوان جامعه آماری پژوهش حاضر در نظر گرفته شد. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای ابتدا چند مدرسه به طور تصادفی انتخاب گردید. سپس از بین مدارس به روش تصادفی ۲۰۰ نفر از معلمان زن به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید. برای کنترل متغیرهای ناخواسته و جلوگیری از دشواری‌های احتمالی در تبیین نتایج، نمونه پژوهش حاضر دربرگیرنده‌ی افرادی بود که قبلاً هیچ‌گونه درمان روان‌شناختی و بالینی دریافت نکرده بودند. حداقل میزان سواد آزمودنی‌ها و همسر آزمودنی‌ها دیپلم و حداکثر دکتری بود. همچنین آزمودنی‌ها سابقه طلاق و ازدواج مجدد نداشتند.

روش

طرح پژوهش حاضر، طرح همبستگی از نوع الگویابی معادلات ساختاری (SEM) است. در تحقیقاتی که هدف آزمودن مدل خاصی از متغیرها است، از تحلیل معادلات ساختاری مدل‌های علی استفاده می‌شود. تحلیل مدل معادلات ساختاری برآوردهایی از پارامترهای مدل (ضرایب مسیر و جملات خطا) و چند شاخص نیکویی برازش

بررسی اثر مستقیم و غیرمستقیم تبعیض جنسیتی بر رضایت زناشویی با ...

فراهم می‌آورد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر ابتدا روش‌های آمار توصیفی مانند میانگین، انحراف معیار و همبستگی‌های پیرسون با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS/۲۰ انجام می‌شود. پس از آن از تحلیل‌های پیچیده‌تر از طریق الگویابی معادلات ساختاری (SEM) با استفاده از نرم‌افزار AMOS/۱۸ برای ارزیابی مدل پیشنهادی استفاده می‌گردد. در این مدل، داده‌ها به صورت ماتریس‌های کواریانس یا همبستگی درآمده و یک مجموعه معادلات رگرسیون بین متغیرها تدوین می‌شود. از روش تحلیل مسیر برای ارزیابی مدل فرضی استفاده می‌شود. روش تحلیل مسیر تعمیمی از یک رگرسیون معمولی است که قادر است علاوه بر بیان روابط مستقیم، روابط غیرمستقیم و اثر کل هر یک از متغیرهای مستقل را برای متغیرهای وابسته نشان دهد (هومن، ۱۳۸۴).

ابزار

پرسشنامه تبعیض جنسی دوسوگرا^۲(ASI): این پرسشنامه به منظور ارزیابی تأیید شرکت‌کنندگان از تبعیض جنسی توسط گلیک و فیسک (۱۹۹۶) مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه ۲۲ سؤالی شامل دو خرده مقیاس تبعیض جنسی خیرخواه و خصمانه است که هر کدام از دو خرده‌مقیاس شامل ۱۱ آیتم است. هر آیتم در مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت از ۰=کاملاً مخالفم، ۱=تاحدودی مخالف، ۲=کمی مخالف، ۳=کمی موافق، ۴=تاحدودی موافق، ۵=کاملاً موافق نمره‌گذاری می‌شود. در هر دو خرده‌مقیاس به طور متوسط نمرات بالاتر نشان دهنده تبعیض بیشتر است. در تحقیقات انجام شده توسط گلیک پایایی مقیاس تبعیض جنسی خیرخواه (۰/۷۳) و (۰/۸۵) و در خرده‌مقیاس تبعیض جنسی خصمانه (۰/۸۰) و (۰/۹۲) با استفاده از روش آلفای کرونباخ به دست آمده است.

پرسشنامه ادراک انصاف^۳(MPE): توسط پری (۲۰۰۴؛ به نقل از خجسته‌مهر، فرامرزی و رجبی، ۱۳۹۱ الف) ساخته شده است. در این سنجه عدالت^۴ به عنوان شاخصی برای سنجش ادراک انصاف در نظر گرفته شده است؛ و شامل چهار سؤال است که ادراک انصاف را در چهار حیطه انجام دادن کارهای خانه، کار کردن برای کسب درآمد، خرج کردن پول و نگهداری از فرزندان می‌سنجد. سؤال‌های این سنجه به صورت طیف لیکرت به ترتیب از ۱ (بسیار ناعادلانه از نظر من)، ۲ (بسیار ناعادلانه از نظر همسر)، ۳ (تا حدی ناعادلانه از نظر من)، ۴ (تا حدی ناعادلانه از نظر همسر) نمره‌گذاری می‌شوند. پری (۲۰۰۴؛ به نقل از خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۹۱ الف) پایایی این سنجه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۰ گزارش کرد. خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۱) نیز پایایی این سنجه را با روش بازآزمایی در نمونه مردان ۰/۷۶ و در نمونه زنان ۰/۸۱ محاسبه کردند.

۱ Path analysis

۲ Ambivalent Sexism Inventory

۳ Measure perceived equity

۴ Fairness

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۱ (ENRICH): از این پرسشنامه به‌عنوان یک ابزار معتبر در پژوهش‌های متنوعی برای سنجش رضایت زناشویی استفاده شده است. فاورز و اولسون، (۱۹۹۳) این مقیاس را مورد ارزیابی قرار دادند و معتقدند این مقیاس نسبت به تغییراتی که در خانواده به وجود می‌آید، حساس است. پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ از ۱۴ خرده مقیاس تشکیل شده است که در پژوهش حاضر از خرده مقیاس رضایت زناشویی استفاده گردید که شامل ۱۰ سؤال است. نمره‌گذاری سؤال‌ها به‌صورت ۰، ۱، ۲، ۳ و ۴ است. در پژوهش خجسته مهر، عباسپور و رجبی (۱۳۸۷) نیز پایایی خرده مقیاس رضایت زناشویی با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به‌دست آمد. همچنین خجسته مهر و همکاران (۱۳۸۷) برای تعیین اعتبار خرده‌مقیاس رضایت زناشویی از مقیاس ارزیابی عملکرد خانواده استفاده کردند که ضریب همبستگی مقیاس ارزیابی عملکرد خانواده با رضایت زناشویی در سطح $(P < 0/01)$ ۰/۶۳ محاسبه شد.

یافته‌ها

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد:

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
تبعیض جنسیتی خیرخواه	۴۹/۴۰	۷/۶۷
تبعیض جنسیتی خصمانه	۵۰/۳۵	۷/۲۷
ادراک انصاف	۲۴/۵۱	۴/۹۷
رضایت زناشویی	۹/۰۶	۳/۶۷

جدول ۲ ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش در کل آزمودنی‌ها را نشان می‌دهد:

جدول ۲- ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش در کل آزمودنی‌ها

متغیر	۱	۲	۳	۴
۱ تبعیض جنسیتی خیرخواه	-	۰/۸۹	۰/۳۸	۰/۴۲
۲ تبعیض جنسیتی خصمانه	-	-	-۰/۳۴	-۰/۳۲
۳ ادراک انصاف	-	-	-	۰/۶۲
۴ رضایت زناشویی	-	-	-	-

$P < 0/01$

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، همه‌ی ضرایب همبستگی ذکر شده بین متغیرها در سطح $P < 0/01$ معنادار می‌باشند. به‌منظور ارزیابی مدل پیشنهادی، بخش ساختاری الگو با استفاده از الگو یابی معادلات ساختاری (SEM) با برآورد حداکثر درست‌نمایی (ML) برآورد گردید. تمامی تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS

^۱ Enrich marital satisfaction scale

بررسی اثر مستقیم و غیرمستقیم تبعیض جنسیتی بر رضایت زناشویی با ...

ویرایش ۲۲ و AMOS ویرایش ۲۰ انجام گرفت. جدول ۳ شاخص‌های برازندگی دو مدل پیشنهادی تبعیض جنسیتی خصمانه و خیرخواه در نمونه‌ی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۳- شاخص‌های برازندگی دو مدل پیشنهادی تبعیض جنسیتی خصمانه و خیرخواه در نمونه پژوهش

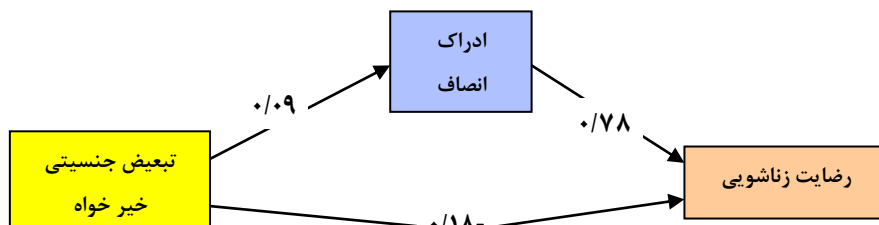
RMSEA	NFI	CFI	TLI	IFI	AGFI	GFI	χ^2/df	df	χ^2	
۰/۰۸	۰/۹۱	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۹۸	۰/۹۲۱	۰/۹۸۱	۲/۵۱	۱۰	۲۵/۸۱	الگوی پیشنهادی ۱
۰/۰۸۹	۰/۹۲۱	۰/۹۷۱	۰/۹۵۴	۰/۹۸	۰/۹۱۱	۰/۹۷۵	۲/۵۳	۱۰	۲۵/۱۶	الگوی پیشنهادی ۲

همان‌گونه که مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهند، الگوی پیشنهادی از برازندگی قابل قبولی برخوردار است. در کل نمونه شاخص برازندگی مقایسه‌ای (CFI) برای دو مدل به ترتیب معادل ۰/۹۷ و ۰/۹۷۱ است که با توجه سایر شاخص‌ها مدل ارزیابی شده از برازندگی خوبی برخوردار است. جدول ۴ ضرایب استاندارد آن‌ها در الگوی تأییدشده را نشان می‌دهد.

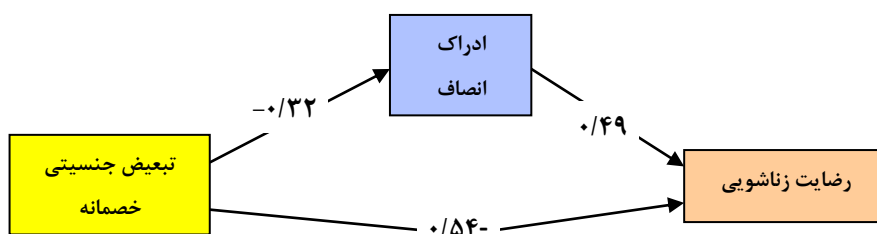
جدول ۴- الگوی ساختاری مسیرهای مستقیم و ضرایب استاندارد آن‌ها در الگوی تأییدشده

مسیر	β	سطح معنی‌داری
تبعیض جنسیتی خیرخواه) رضایت زناشویی	-۰/۱۸	۰/۰۰۱
تبعیض جنسیتی خیرخواه) ادراک انصاف	۰/۰۹	۰/۰۵
تبعیض جنسیتی خصمانه) رضایت زناشویی	-۰/۵۴	۰/۰۰۸
تبعیض جنسیتی خصمانه) ادراک انصاف	-۰/۳۲	۰/۰۵

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، همه‌ی ضرایب مسیر مربوط به مدل پیشنهادی تأییدشده، معنی‌دار هستند. شکل ۱ مدل نهایی اثر مستقیم و غیرمستقیم تبعیض جنسیتی خیرخواه بر رضایت زناشویی با میانجی‌گری ادراک انصاف را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل نهایی اثر مستقیم و غیرمستقیم تبعیض جنسیتی خیر خواه بر رضایت زناشویی با میانجی‌گری ادراک انصاف



شکل ۲ مدل نهایی اثر مستقیم و غیرمستقیم تبعیض جنسیتی خصمانه بر رضایت زناشویی با میانجی‌گری ادراک انصاف را نشان می‌دهد.

شکل ۲. مدل نهایی اثر مستقیم و غیرمستقیم تبعیض جنسیتی خصمانه بر رضایت زناشویی با میانجی‌گری ادراک انصاف

همان‌گونه که در شکل ۱ و ۲ مشاهده می‌شود، کلیه ضرایب مسیر در مدل‌های پیشنهادی برای کل نمونه پژوهش معنادار است بدون هیچ‌گونه اصلاحی تأیید می‌گردد. جهت بررسی روابط واسطه‌ای بین متغیرهای پژوهش از روش بوت استراپ استفاده شد. این روش یکی از روش‌های نمونه‌گیری مکرر بوده و شامل ترسیم تعداد زیادی نمونه با جایگزشت از نمونه اصلی است که نتایج آن در جدول ۵ مشاهده می‌شود.

بررسی اثر مستقیم و غیرمستقیم تبعیض جنسیتی بر رضایت زناشویی با ...

جدول ۵. نتایج آزمون بوت استرپ ماکرو پریچر و هیز برای مسیرهای واسطه‌ای

فاصله اطمینان	حد بالا	حد پایین	بوت استرپ	مسیرهای واسطه‌ای		
				متغیر وابسته	متغیر واسطه‌ای	متغیر مستقل
۰/۹۵	۰/۱۵	۰/۰۵	۰/۰۹	رضایت زناشویی	ادراک انصاف	تبعیض جنسیتی خیرخواه
۰/۹۵	-۰/۲۰	-۰/۲۴	-۰/۲۲	رضایت زناشویی	ادراک انصاف	تبعیض جنسیتی خصمانه

جدول ۵ نشان می‌دهد که نتایج آزمون بوت استرپ برای تمامی مسیرهای واسطه‌ای، در سطح $p < ۰/۰۵$ و با فاصله اطمینان ۰/۹۵ معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی اثر مستقیم و غیرمستقیم تبعیض جنسیتی بر رضایت زناشویی با میانجی‌گری ادراک بود. نتایج به دست آمده با پژوهش‌های پیشین همسو می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده تبعیض جنسیتی رابطه منفی معنادار بر رضایت زناشویی دارد، یعنی با افزایش نمره افراد در تبعیض جنسیتی، رضایت زناشویی کاهش پیدا می‌کند و برعکس، این رابطه در تبعیض جنسیتی خصمانه بالاتر است. بین ادراک انصاف و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی‌دار بین این دو متغیر به دست آمد و نشان داد که نمره بالا در ادراک انصاف در رابطه باعث افزایش رضایت زناشویی می‌شود. در پژوهش حاضر اثر تبعیض جنسیتی بر رضایت زناشویی از طریق ادراک انصاف تعدیل شد و مشخص شد که اثر منفی تبعیض جنسیتی بر رضایت زناشویی از طریق افکار منصفانه و مساوات طلبانه تعدیل می‌شود. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش کمپبل و همکاران (۲۰۱۷)، سالومن (۲۰۱۵)، کاساد و همکاران (۲۰۱۵)، و هنری و همکاران (۲۰۰۷) همسو می‌باشد. با این حال، با توجه به ساختار منحصر به فرد روابط جنسیتی (که تسلط مرد را با وابستگی متقابل بین دو جنس را ترکیب می‌کند)، محدودیت‌های زنان به احتمال زیاد به‌طور فراگیر به نظر می‌رسد. با ترکیب مهربانی با تسلط و مردسالاری، تشخیص مردان صمیمی برای زنان بسیار مشکل می‌شود؛ اما گاهی زنان مایلند این محدودیت‌ها را به‌عنوان اعمال عشق ورزی به شرکای خود بپذیرند. مطابق با پژوهش‌های قبلی (ویدانوف و دونلی، ۱۹۹۹؛ به نقل از لیندفورس و همکاران، ۲۰۱۸)، ادراک انصاف و عدالت در تقسیم‌کار خانه رابطه‌ی مثبتی با رضایت زناشویی دارد. رابطه پایین بین تبعیض جنسیتی خیرخواه و ادراک انصاف نشان می‌دهد با بالارفتن تبعیض جنسیتی خیرخواه نمره‌ی ادراک انصاف بالاتر می‌رود، هرچند تأثیر آن خیلی پایین است. نمره بالا در تبعیض جنسیتی خیرخواه در افراد تمایل به افکار مساوات طلبانه در رابطه را نشان می‌دهد. سیبلی و بلاکر (۲۰۱۲؛ به نقل از کمپبل و همکاران، ۲۰۱۷) مشخص می‌کنند که برای

مردان، رابطه‌ی بین تبعیض جنسیتی خیرخواه و رضایت از رابطه مثبت بوده است، در حالی که همبستگی هر دو متغیر تبعیض جنسیتی برای زنان، رابطه منفی داشتند.

بران و همکاران (۲۰۰۸؛ به نقل از فرناندز، ۲۰۱۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که زنان به ندرت تقسیم نابرابر کار خانه را ناعادلانه می‌دانند که ممکن است به این علت باشد که در تبعیض جنسیتی خیرخواهانه روش‌های بسیار ظریفی به کار گرفته می‌شود که به صورت منصفانه در روابط نشان داده می‌شوند و مردان از این طریق به طور زیرکانه نفوذپذیری و کنترل خود را در رابطه اعمال می‌کنند، اما تبعیض جنسیتی خصمانه به این صورت نمی‌باشد و به صورت آشکار با برابری جنسیتی مقابله می‌کند. در تبعیض جنسیتی خیرخواهانه مردان همسرانشان را با ویژگی‌های احساسی توصیف می‌کنند و همسر خوب را همسری می‌دانند که آن‌ها را مورد حمایت عاطفی قرار دهند و به شوهرشان اهمیت دهند. بنابراین، این امر به احتمال زیاد منجر به انجام بخش بزرگی از کارهای خانه توسط زنان می‌شود و هویت زنان به عنوان همسر بر اساس چگونگی مراقبت از خانه و فرزندان و میزان عاطفی بودن آن‌ها شکل بگیرد. کاوامورا و براون (۲۰۱۰؛ به نقل از لاکانسگولا، ۲۰۱۹) در پژوهش خود در زمینه ادراک عدالت دریافتند که زنان در برداشت خود در صورتی که احساس کنند که برای شوهرشان مهم هستند، به احتمال زیاد تقسیم کار ناعادلانه را عادلانه درک کنند. می‌توان گفت ایدئولوژی برابری جنسیتی مردان بر ادراک انصاف آن‌ها در کارهای خانگی و موارد دیگر تأثیرگذار است. مثلاً یک شوهر با ایده سنتی جنسیتی مسئولیت خود را فقط نان‌آوری می‌داند و زن را مسئول کارهای داخلی، حتی اگر این نوع تقسیم ناعادلانه باشد. این در حالی است که یک شوهر با ایده برابری جنسیتی وظایف و مسئولیت‌های خانگی را تخصیص یافته نمی‌داند، بلکه خود را در آن سهیم می‌داند؛ بنابراین این دیدگاه جنسیتی او بر این که آیا زندگی آن‌ها منصفانه است یا خیر به طور مستقیم تأثیر می‌گذارد. با توجه به صنعتی شدن جامعه و افزایش آمار زنان شاغل و تغییر نقش‌های سنتی در قالب زن و مرد که دارای وظایف مشخصی بودند و نقش تقسیم کار به صورت منصفانه و عادلانه در افزایش رضایت از زندگی مشترک به درمانگران و روان‌شناسان خانواده پیشنهاد می‌شود در کار با زوج‌ها، تأثیر نقش ادراک انصاف و تبعیض جنسیتی در رضایتمندی از رابطه زناشویی را مد نظر قرار دهند. همچنین به درمانگران پیشنهاد می‌شود، بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی و اثرات قدرت مخفی تبعیض جنسیتی بر مشکلات ارتباطی به عنوان وسیله‌ای برای کمک به درمان‌جویان استفاده کنند. به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود دیگر متغیرهای مؤثر بر رابطه از جمله سبک‌های دل‌بستگی، فداکاری، الگوهای ارتباطی را همراه با تبعیض جنسیتی، و همچنین تجربه‌های تبعیض جنسیتی در رابطه با کیفیت رابطه را در پژوهش‌های آتی مورد بررسی قرار دهند. با توجه به تأثیر بستر فرهنگی و اجتماعی بر شکل‌گیری رفتارهای تبعیض‌آمیز به خصوص نسبت به زنان پیشنهاد می‌شود تحقیقات گسترده‌ای در فرهنگ‌های مختلف در این زمینه انجام شود. اگرچه داده‌های پژوهش حاضر با الگوی ساختاری آزمون شده هماهنگ هستند و در قالب الگوی معادلات ساختاری ارزیابی شده‌اند، ولی کاربرد آن‌ها در روابط علت و معلولی باید با احتیاط صورت پذیرد.

References

- Altenburger, L. E., et al. (2017). "Sexist attitudes among emerging adult women readers of fifty shades fiction." 46(2): 455-464.
- Austin, D. E., et al. (2019). "Benevolent and hostile sexism differentially predicted by facets of right-wing authoritarianism and social dominance orientation." 139: 34-38.
- Becker, J. C. and S. C. Wright (2011). "Yet another dark side of chivalry: Benevolent sexism undermines and hostile sexism motivates collective action for social change." *Journal of personality and social psychology* 101(1): 62.
- Brown, M. (2013). *Benevolent Sexism, Perceived Fairness, Decision-Making, and Marital Satisfaction: Covert Power Influences*, Antioch University Seattle.
- Campbell, D. J. (2017). "Demographic Variables as Moderators Between Benevolent Sexism and Relationship Satisfaction."
- Casad, B. J., et al. (2015). "The real versus the ideal: Predicting relationship satisfaction and well-being from endorsement of marriage myths and benevolent sexism." 39(1): 119-129.
- Connor, R. A., Glick, P., & Fiske, S. T. (2016). Ambivalent sexism in the twenty-first century. In C. G. Sibley & F. K. Barlow (Eds.), *The Cambridge Handbook of the Psychology of Prejudice*. Cambridge University Press.
- Engels, M., et al. (2019). "Gendered work-family trajectories and depression at older age." 1-9.
- Fernández, J., et al. (2016). "The gendered division of housework/La división generizada de las tareas domesticas." 28(2): 130-137.
- Hammond, M. D., & Overall, N. C. (2016). Sexism in intimate contexts: how romantic relationships help explain the origins, functions, and consequences of sexist attitudes. In C. G. Sibley & F. K. Barlow (Eds.), *The Cambridge Handbook of the Psychology of Prejudice*. Cambridge University Press.
- Hammond, M. D., et al. (2017). "Benevolent Sexism and Hostile Sexism Across the Ages." *Social Psychological and Personality Science*: 9(7), 863-874.
- Helms, H., Proulx, C., Klute, M., McHale, S., & Crouter, A. (2006). Spouses' gender-typed attributes and their links with marital quality: A pattern analytic approach. *Journal of Social and Personal Relationships*, 23(6), 843-864.
- Henry, N., Berg, C., Smith, T., & Florsheim, P. (2007). Positive and negative characteristics of marital interaction and their association with marital satisfaction in middle-aged and older couples. *Psychology and Aging*, 22(3), 428-441.
- Hill, S. and T. C. J. S. r. Marshall (2018). "Beliefs about sexual assault In india and Britain are explained by attitudes toward women and hostile sexism." 79(7-8): 421-430.

- Homan, H. (2006). Modeling Structural Equations Using LaserL Software, First Edition, Tehran, Sadegh.
- Kaufman, G. J. R. I F. T. (2005). "Do gender role attitudes matter? Family formation and dissolution among traditional and egalitarian men and women." 225.
- Khojasteh Mehr, R., et al. (2015). The Study of the Direct and Indirect Effect of Relational Ethics on Depression and Sexual Dysfunction Mediation with Marital Satisfaction and Level of Communication. *Applied Psychological Research Quarterly*, 5(4), 157-170.
- Khojastemehr, R., Abbaspour, Z., & Rajabi, GH. (2009). Comparison of consistency, adaptability, level of communication and marital satisfaction in married couples and low levels of government departments in Ahvaz city. *Journal of Educational Sciences and Psychology*, 15 (1), 194-179.
- Khojastemehr, R., Faramarzi, S., & Rajabi, GH. (2013). The study of the role of fairness perception on marital quality. *Psychological Studies*, 8, 50-31.
- Kramer, K. Z. and S. J. S. R. Pak (2018). "Relative Earnings and Depressive Symptoms among Working Parents: Gender Differences in the Effect of Relative Income on Depressive Symptoms." 78(11-12): 744-759.
- Lachance-Grzela, M., et al. (2019). "Division of family labour and perceived unfairness among mothers: the role of mattering to family members." 1-15.
- Lindfors, P., et al. (2018). "Family and school social capital, school burnout and academic achievement: a multilevel longitudinal analysis among Finnish pupils." 23(3): 368-381.
- Norrander, B. and C. J. P. B. Wilcox (2008). "The gender gap in ideology." 30(4): 503-523.
- Rajabi, GH., et al (2018). The effectiveness of premarital educationbased on relationship education program on reducing the dysfunctional relationship beliefs of single students. *Applied Psychological Research Quarterly*, 9(2),1-15
- Robinson, B., & Hunter, E. (2008). Is mom still doing it all? Reexamining depictions of family work in popular advertising. *Journal of Family Issues*, 29(4), 465-486.
- Salomon, K., et al. (2015). "Flash fire and slow burn: Women's cardiovascular reactivity and recovery following hostile and benevolent sexism." *Journal of experimental psychology: general* 144(2): 469.
- Waddell, N., et al. (2018). "Better off Alone? Ambivalent Sexism Moderates the Association Between Relationship Status and Life Satisfaction Among Heterosexual Women and Men." 1-15.